

مبداء خسارت تاخیر تادیه چک و محدوده شمول رای وحدت رویه ۸۱۲ دیوان عالی کشور

فرید صحرائی^۱، علی چگینی^۲

چکیده

بر اساس رای وحدت رویه شماره ۸۱۲ هیات عمومی دیوان عالی کشور، مبدا محاسبه خسارت تاخیر تادیه چک از تاریخ سررسید است؛ با این حال، اطلاق رای یادشده و دیدگاه‌های مطرح در دکتین و اختلاف نظر قضات، مانع از تحقق وحدت رویه میان مراجع قضایی و صدور آراء متعارض در این موضوع، به‌رغم صدور رای وحدت رویه پیش‌گفته شده است. از مهم‌ترین مواضع اختلاف، انتقال چک پس از اخذ گواهی عدم پرداخت، سپری شدن مدت طولانی از تاریخ سررسید و عدم مطالبه از سوی دارنده (قاعده اقدام) و شمول مرور زمان اسناد تجاری مقرر در ماده ۳۱۸ قانون تجارت است.

پژوهش حاضر با بررسی اسناد بین‌المللی، دکتین حقوقی و رویه قضایی در خصوص مبدا محاسبه خسارت تاخیر تادیه چک، به این نتیجه دست یافته است که اطلاق رای وحدت رویه شماره ۸۱۲ هیات عمومی دیوان عالی کشور موجب نمی‌شود تا دیگر قواعد حقوقی از جمله مرور زمان اسناد تجاری، عدم رعایت تشریفات انتقال سند تجاری یا قاعده اقدام قابل اجرا نباشد؛ این موارد به دلیل دارا بودن حکم خاص، از اطلاق رای وحدت رویه خارج است و مبدا محاسبه خسارت تاخیر تادیه چک نیز مطابق عمومات از تاریخ مطالبه خواهد بود.

واژگان کلیدی: خسارت تاخیر تادیه، چک، گواهی عدم پرداخت، رای وحدت رویه

۸۱۲، سررسید، مطالبه.

۱. قاضی دادگستری و دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Sahraei.farid@gmail.com

۲. قاضی دادگستری

alicheginifani@gmail.com

درآمد

در نظام حقوقی ایران وظیفه وضع قاعده حقوقی با قوه مقننه یا همان مجلس شورای اسلامی است. با این حال براساس اصل یکصد و شصت و یکم قانون اساسی و ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی، دیوان عالی کشور وظیفه ایجاد وحدت رویه قضایی را برعهده دارد و در صورتی که مراجع قضایی با استنباط متفاوت از قوانین، آرا مختلف صادر کنند، هیات عمومی دیوان عالی کشور موظف است تا یک تفسیر از قانون را به اکثریت انتخاب و رای صادر کند که «در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها و سایر مراجع، اعم از قضائی و غیر آن لازم‌الاتباع است»؛ بنابراین اگرچه در بسیاری از موارد، فهم یا تفسیر هر قاضی از قانون متفاوت است، اما قانون‌گذار به منظور جلوگیری از صدور آرا متفاوت، نهاد رای وحدت رویه الزام‌آور در نظام حقوقی ایران را ایجاد کرده که در نوع خود بی‌مانند است، اما گاه فهم‌ها یا تفسیرهای متفاوت از آرا وحدت رویه، به نوعی هدف اصلی قانون‌گذار از ایجاد این نهاد را عقیم می‌گذارد.

یکی از آرا وحدت رویه که تفاسیر متفاوتی از آن می‌شود و میان دکترین و رویه قضایی در خصوص حدود شمول آن اختلاف نظر است، رای وحدت رویه شماره ۸۱۲ مورخ ۱۴۰۰/۴/۱ هیات عمومی دیوان عالی کشور است. علت صدور رای یادشده، اختلاف دو دادگاه تجدید نظر در خصوص مبدا محاسبه خسارت تاخیر تادیه چک است که یکی از شعب آن را از تاریخ سررسید و دیگری از تاریخ مطالبه اعلام کرده است و پیش از اختلاف این دو شعبه نیز برای مدت مدیدی میان دادرسان در خصوص مبدا محاسبه خسارت تاخیر تادیه در فروض مختلف اختلاف نظر بوده است (بنگرید به: فتاحی، ۱۳۹۵: ۱۲۹) و در نهایت، دیدگاه اکثریت قضات دیوان عالی کشور بر این قرار گرفت که «مطابق ماده ۳ قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی، صادرکننده باید در تاریخ مندرج در چک، معادل مبلغ ذکر شده در آن، در بانک محال علیه وجه نقد داشته باشد و برابر تبصره الحاقی (۱۳۷۶/۳/۱۰) به ماده ۲ قانون اخیرالذکر و قانون استفساریه این تبصره مصوب ۱۳۷۶/۹/۲۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام، مبدا محاسبه خسارت تاخیر تادیه بر مبنای نرخ تورم، تاریخ چک است؛ بنابراین خسارت تاخیر تادیه وجه چک، برابر

مقررات مذکور که به طور خاص راجع به چک وضع شده است، محاسبه می‌شود و از شمول شرایط مقرر در ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ خارج است...».

پس از صدور این رای وحدت رویه، بسیاری از مراجع قضایی بر اساس ظاهر رای و اطلاق آن، در تمامی موارد مبنای محاسبه خسارت تاخیر تادیه چک را تاریخ سررسید اعلام می‌کنند. برای مثال، حتی در زمانی که صادرکننده چک در سررسید وجه کافی در حساب خود داشته، اما دارنده اقدام به مطالبه آن نکرده است، بسیاری از مراجع همچنان معتقدند که در این خصوص نیز مبدا محاسبه خسارت تاخیر تادیه وجه چک تاریخ سررسید آن است و این دیدگاه پیش از صدور رای وحدت رویه شماره ۸۱۲ نیز وجود داشته است.^۱ در مقابل بسیاری دیگر از شعب باور دارند که در این حالت دارنده به دلیل تعلل در واخواست چک، به زیان خود اقدام کرده است و بر این اساس، خسارت تاخیر تادیه را از تاریخ مطالبه حکم می‌دهند. تفسیر گوناگون دادرسان به ویژه باتوجه به افزایش مداوم نرخ تورم و تغییرات گسترده در میزان شاخص تورمی، موجب صدور احکامی متفاوتی شده است که عرف قضایی را نامشخص و مبهم نموده است.

در این مقاله، دیدگاه دکترین، اسناد بین‌المللی و رویه قضایی ایران در خصوص مبدا محاسبه خسارت تاخیر تادیه چک و محدوده شمول رای وحدت رویه شماره ۸۱۲ دیوان عالی کشور در فروض مختلف بررسی می‌شود و در پی پاسخ به این پرسش‌ها است که آیا در تمامی موارد، مبدا محاسبه خسارت تاخیر تادیه چک تاریخ سررسید است یا در مواردی از جمله شمول مرور زمان پنج ساله اسناد تجاری مقرر در ماده ۳۱۸ قانون تجارت یا عدم مراجعه دارنده به بانک جهت وصول مبلغ چک به‌رغم وجود وجه در حساب صادرکننده، مفاد رای وحدت رویه ۸۱۲ دیوان عالی کشور اجرا نخواهد شد.

۱. از جمله در نشست قضایی برگزار شده در شهرستان نهاوند در تاریخ ۱۳۹۷/۱۱/۴ که اکثریت معتقد بودند «محاسبه خسارت تاخیر تادیه می‌بایست بر اساس قانون استفساریه تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک صورت گیرد و استدلال خلاف آن، اجتهاد در مقابل نص محسوب می‌گردد»، در مقابل، دیدگاه اقلیت بر این بود که «می‌توان به لحاظ تقصیر مدعی در طرح به موقع دعوی، خواننده را از پرداخت خسارتی بیش از آنچه از تاریخ طرح دعوی به چک تعلق می‌گیرد معاف دانست».

۱. بررسی موضوع در دکترین حقوقی

رویکرد مخالفت ابتدایی و مبهم متعاقب قانون‌گذار پس از انقلاب اسلامی در خصوص خسارت تاخیر تادیه، دیدگاه‌های مختلفی را در میان حقوق‌دانان موجب شد و قانون‌گذار پس از مدت‌ها آزمون و خطا، به موجب ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ پذیرفت که خسارت تاخیر تادیه خسارتی ملموس و عینی است که به واسطه اوضاع و احوال اقتصادی بر بستانکار وارد می‌شود (بنگرید به: اصغری آفم‌شهدی و محمدزاده، ۱۳۹۱: ۸)، اما اختلاف نظر ایجاد شده در مواردی باقی ماند که از جمله، در خصوص مبدا محاسبه خسارت تاخیر تادیه چک است که تنها تعداد اندکی از صاحب‌نظران و پژوهشگران دیدگاه‌های خود را در خصوص آن مطرح کرده‌اند. برخی به‌رغم اشاره به این که در خصوص چک براساس ماده‌واحد قانون استفساریه تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون صدور چک، مبدا محاسبه خسارت تاخیر تادیه از تاریخ سررسید است و نه مطالبه؛ اما همچنان ملاک قرار دادن تاریخ مطالبه در اسناد تجارتي را عادلانه‌تر دانسته‌اند (کاویانی، ۱۴۰۰: ۱۸۴). در فرضی که میان صدور چک و مطالبه وجه آن فاصله طولانی ایجاد شود نیز قائل بر این شده‌اند که باید تاریخ مطالبه را ملاک محاسبه قرار داد (همان‌جا). برخی دیگر ضمن تایید دیدگاه یادشده اعلام داشته‌اند که در صورت شمول مرور زمان اسناد تجاری مقرر در ماده ۳۱۸ قانون تجارت باید مطابق عمومات عمل شود (فتاحی، ۱۳۹۵: ۱۳۰). نویسنده دیگری نیز تنها به تاریخ چک به عنوان مبنا محاسبه اشاره کرده و در خصوص حالاتی که ممکن است تاریخ مطالبه مبنای محاسبه قرار گیرد، مطلبی ذکر ننموده است و با این حال، شرط احراز تمکن صادرکننده مقرر در ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ را لازم ندانسته است (صقری، ۱۳۸۷: ۶۱۰). وانگهی به نظر می‌رسد اگرچه که قانون‌گذار در خصوص مبدا محاسبه خسارت تاخیر تادیه چک حکم ویژه‌ای را وضع کرده که در دیگر اسناد تجاری پیشینه ندارد، اما همچنان در خصوص شرایط تعلق خسارت تاخیر تادیه تابع سایر قوانین و مقررات است؛ همان‌گونه که برخی به درستی رعایت مفاد ماده ۵۲۲ قانون یادشده را ضروری دانسته‌اند (محسنی، ۱۳۸۹: ۱۰۸). این دیدگاه در رای وحدت رویه شماره ۸۲۴ مورخ ۱۴۰۱/۶/۱ هیات عمومی

دیوان عالی کشور^۱ نیز تکرار شده است. حقوق دانان دیگری ضمن تصریح به محاسبه خسارت تاخیر تادیه چک از تاریخ سررسید به تلاش‌های رویه قضایی بر تعدیل مقرر در ماده واحده قانون استفساریه تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون صدور چک از جمله در حالتی که دارنده پس ده سال اقدام به اخذ گواهی عدم پرداخت می‌کند، اشاره کرده است؛ با این حال به همین اندازه اکتفا نموده‌اند (تدین، ۱۴۰۱: ۱۹۶). نظر دیگر بر آن است که در فرض انتقال چک پس از اخذ گواهی عدم پرداخت، در حقوق انتقال‌گیرنده تغییری ایجاد نشده و او برای مثال، مستحق دریافت خسارت تاخیر تادیه از تاریخ سررسید چک است (میری، ۱۴۰۱: ۳۶۲).

بنابراین چنین به نظر می‌رسد که بسیاری از صاحب‌نظران حقوق اسناد تجاری در موضوع حالات عدم محاسبه خسارت تاخیر تادیه چک از تاریخ سررسید اظهار نظر نکرده‌اند و دیگران نیز به طور مشخص و منسجم مطلبی را ذکر نکرده و در دکتترین حقوق ایران تنها به صورت پراکنده می‌توان مطالبی را مشاهده کرد.

۲. مقررات اسناد بین‌المللی

در بسیاری از اسناد بین‌المللی و نظام‌های حقوقی جهان با یک تفاوت مبنایی نسبت به نظام حقوقی ما، دارنده سند تجاری در صورت عدم تادیه وجه سند می‌تواند علاوه بر مبلغ مندرج، خسارات وارد شده از جمله خسارت تاخیر تادیه را نیز از مسئولان سند مطالبه کند. مراد از تفاوت مبنایی این است که استحقاق خسارت تاخیر تادیه باتوجه به مباح بودن اخذ بهره^۲ در این نظام‌ها بر اساس عدم‌النفع است (کاوپانی، ۱۴۰۰: ۱۸۱)؛ بدین معنا که بستانکار از نفعی که در صورت وصول به موقع سند دارا می‌شد، محروم شده است و بنابراین می‌تواند از تاریخ مشخصی خسارت تاخیر تادیه را از مسئولان آن مطالبه کند.

۱. «با توجه به این که در ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹، شرط «تمکن مدیون» به طور مطلق بیان شده و در مقررات خاص راجع به چک حکم مغایری پیش‌بینی نشده و چک از این جهت فاقد خصوصیت است، بنابراین در مواردی که به موجب حکم دادگاه، اعسار محکوم‌علیه به نحو کلی یا با تعیین مهلت و یا اقساط ثابت شود، از تاریخ ثبوت اعسار محاسبه خسارت تاخیر تادیه وجه چک نیز متوقف می‌شود. بدیهی است در موارد صدور حکم اعسار با تعیین مهلت یا اقساط به لحاظ احراز تمکن مدیون در حدود مقرر، در صورت تاخیر از موعد یا مواعد تعیین شده، حسب مورد به دین یا هر یک از اقساط معوق، خسارت تاخیر تادیه تعلق می‌گیرد...».

2. interest

به نظر می‌رسد در این خصوص که از چه تاریخی بستانکار مستحق دریافت خسارت تاخیر تادیه است، رویکرد واحدی به ویژه در اسناد بین‌المللی وجود ندارد. برای نمونه در ماده ۴۵ کنوانسیون ۱۹ مارس ۱۹۳۱ ژنو در باب چک^۱ مقرر شده است که دارنده می‌تواند در زمان مراجعه به مسئول پرداخت، بهره چک را از تاریخ ارائه به نرخ شش درصد مطالبه و وصول کند.^۲ همچنین طبق بند ۲ از ماده ۴۶ این کنوانسیون، شخصی که وجه چک را پرداخت و آن را تحویل می‌کند، می‌تواند بهره شش درصدی را از تاریخ تادیه از کسی که در برابر او مسئولیت دارد، مطالبه و وصول کند.^۳ نکته قابل توجه این است که در ماده ۴۵ کنوانسیون مذکور، حق مراجعه دارنده به مسئول پرداخت منوط به مراجعه در زمان مقرر نشده است.^۴

طبق ماده ۷۰ کنوانسیون آنسیترال ۱۹۸۸ درباره برات و سفته‌های بین‌المللی^۵ چنانچه مقرر شده باشد که پس از سررسید بهره پرداخت شود، بهره به نرخ مقرر (مورد توافق) و در صورت عدم وجود چنین شرطی، بهره به نرخ تعیین شده در بند ۲ همین ماده از تاریخ ارائه محاسبه خواهد شد.^۶ در خصوص دیون ناشی از معاملات تجارتهی نیز برای نمونه می‌توان به دستورالعمل/رهنمود EU/۷/۲۰۱۱ اتحادیه اروپا^۷

1. Convention Providing a Uniform Law for Cheques

2. Article 45: The holder may claim from the party against whom he exercises his right of recourse: 1- The unpaid amount of the cheque; 2- Interest at the rate of 6% as from the date of presentment; 3- The expenses of the protest or equivalent declaration, and of the notices given as well as other expenses.

3. Article 46: A party who takes up and pays a cheque can recover from the parties liable to him: ... 2- Interest on the said sum calculated at the rate of 6%, as from the day on which he made payment;

۴. در بسیاری از دادگاه‌های ایران یکی از دلایل عدم پرداخت خسارت تاخیر تادیه چک، عدم اقدام به موقع دارنده در مطالبه وجه چک و استناد به قاعده اقدام بوده است از جمله در دادنامه شماره ۱۰۹۹ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۰۵ که از آرا مذکور در گزارش پرونده رای وحدت رویه ۸۱۲ دیوان عالی کشور است.

5. United Nations convention on international bills of exchange and international promissory notes 1988

6. (ii) If interest has been stipulated to be paid after maturity, interest at the rate stipulated, or, in the absence of such stipulation, interest at the rate specified in paragraph 2 of this article, calculated from the date of presentment on the sum specified in subparagraph

7. Directive 2011/7/EU of the European Parliament and of the Council of 16 Febru-

تحت عنوان مقابله با تاخیر تادیه در معاملات تجارتي^۱ اشاره کرد که در ۱۶ فوریه ۲۰۱۱ صادر شده است و در حال حاضر تقریباً در تمامی کشورهای عضو این اتحادیه تبدیل به قانون ملی شده است. در این رهنمود مقرراتی به طور کلی در خصوص تاخیر تادیه در معاملات تجارتي ذکر شده است. مطابق بند ۲ ماده ۱ مقررات این رهنمود در مورد کلیه پرداخت‌هایی که در معاملات تجارتي صورت می‌گیرد اعمال خواهد شد.^۲ در بند ۱ از ماده ۳ نیز مقرر شده است که بستانکار مستحق دریافت بهره ناشی از تاخیر تادیه بدون نیاز به یادآوری است؛ البته با رعایت شرایطی از جمله این که مسبب تاخیر در پرداخت شخص بستانکار نباشد.^۳ در خصوص تاریخ استحقاق خسارت تاخیر تادیه براساس قسمت الف از بند ۳ ماده ۳ مقرر شده است که بستانکار از روز بعد از تاریخ یا پایان مدت پرداخت تعیین شده در قرارداد مستحق بهره تاخیر تادیه خواهد بود؛^۴ بنابراین همان گونه که پیش تر گفته شد، در خصوص مبداء خسارت تاخیر چک به طور خاص و دیون ناشی از اسناد و روابط تجارتي در اسناد بین‌المللی رویکرد مشخص و ثابتی وجود ندارد.

۳. رویه قضایی ایران پیش و پس از صدور رای وحدت رویه ۸۱۲

اگرچه آرا دادگاه‌ها در نظام حقوقی ایران همچون نظام حقوقی کامن‌لا در موارد مشابه لازم‌الاتباع نیستند و در نتیجه برخلاف آرا وحدت رویه، منبع الزام‌آور محسوب نمی‌شوند، اما با توجه به سهم مهمی که آرا قبلی در تفسیرهای قضات در موارد مشابه متعاقب دارند، ضروری به نظر می‌رسد که رویه قضایی ایران در رابطه با مبدا محاسبه خسارت تاخیر تادیه چک بررسی شود. به بیانی دیگر، فهم یا تفسیر قاضی از منابع الزام‌آور مانند قانون و آرا وحدت رویه نقش اساسی را در رویه قضایی ایفا می‌کند؛ با این حال نباید سهم سایر منابع غیرالزام‌آور همچون عرف، فقه و به ویژه

ary 2011 on combating late payment in commercial transactions

1. Combating late payment in commercial transactions
2. «This Directive shall apply to all payments made as remuneration for commercial transactions».
3. «...The creditor is entitled to interest for late payment without the necessity of a reminder».
4. «...The creditor is entitled to interest for late payment from the day following the date or the end of the period for payment fixed in the contract».

آرا سایر قضات در موضوعات مشابه را نادیده گرفت. در این راستا چنانچه قائل بر آن باشیم که مفهوم رویه قضایی تنها ناظر به تکرار آرا مشابه دادگاه نبوده (اسلامی پناه، ۱۳۹۷: ۲۴۸)، بلکه هر رایی از مراجع قضایی شامل می‌شود (جعفری تبار، ۱۴۰۰: ۲۴)، می‌بایست طیف گسترده‌ای از آرا مراجع قضایی را که در خصوص موضوع این نوشتار صادر شده است، مورد بررسی قرار گیرد. بدین منظور در ادامه، آرای مرتبط با رای وحدت شماره ۸۱۲ که دارای اختلاف با یکدیگر بوده، تشریح می‌شود.

۱-۳. تاثیر قاعده اقدام

به موجب دادنامه‌ای که شعبه ۵ دادگاه عمومی حقوقی تهران به شماره ۹۷۰ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۱۲ صادر کرده است، در پرونده‌ای که خواهان پس از ده سال از تاریخ صدور دو فقره چک، اقدام به واخواست (برگشت) آن‌ها نموده است، عمل خواهان مشمول قاعده اقدام به زیان خود دانسته شده و با اعلام مشمول مرور زمان نسبت به آن‌ها، چک را فاقد وصف تجاری تلقی و تنها به عنوان سند عادی قابل استناد دانسته است؛ بنابراین در قسمت مطالبه خسارت تاخیر تادیه، حکم بر بطلان دعوا صادر شده است.^۱ این رای به موجب دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۵۰۰۰۳۵۳ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۹ شعبه ۴۹ دادگاه تجدید نظر استان تهران تایید شده است.

به موجب دادنامه شماره ۱۴۰۱۲۸۳۹۰۰۰۰۴۴۹۱۰۶ مورخ ۱۴۰۱/۲/۱۸ شعبه ۵ دادگاه عمومی حقوقی ملایر در فرضی که خواهان پس از شش سال اقدام به اخذ گواهی عدم پرداخت چک نموده است، دادرس با ذکر استدلالی مفصل، خواسته خواهان را مبنی بر مطالبه خسارت تاخیر تادیه از تاریخ سررسید قابل پذیرش ندانسته و حکم بر بی‌حقی خواهان صادر کرده است. اهم استدلال‌های این مرجع بدین شرح است: «۱- خواهان باید جهت مطالبه حق خود در زمان مقرر و مندرج در همان سند، نسبت به وصول طلب اقدام قانونی لازم را به جای می‌آورد که از این مهم چشم‌پوشی نموده و علیه خود اقدام کرده است»؛^۲ قوانین عالی و بالادستی بر قوانین تالی

۱. «... اقدام خواهان به برگشت چک‌ها قریب ده سال پس از تاریخ صدور مشمول قاعده اقدام بوده و موجبی برای مطالبه خسارت تاخیر تادیه از تاریخ سررسید چک در سال ۱۳۸۰ تا تاریخ برگشت آن در سال ۱۳۹۰ وجود ندارد؛ مضاف آن که، بر فرض پذیرش مرور زمان چک به عنوان سند تجاری قابل استناد نبوده بلکه به عنوان سند عادی قابلیت استناد دارد، بنا به مراتب ... ضمن صدور حکم بر بطلان دعوی مطالبه خسارت تاخیر تادیه رای بر محکومیت خواننده به پرداخت ... بابت اصل خواسته ...».

حکومت دارند؛ بنابراین با توجه به اصل چهلم قانون اساسی هیچ کس نمی تواند در مقام اعمال حق خود موجب ورود زیان به دیگری شود و این اصل بر ماده ۲ قانون صدور چک حکومت دارد؛^۱ ۳- تعلق خسارت تاخیر تادیه از زمان صدور چک منوط به آن است که شخص اقدام متعارف را نسبت به آن انجام دهد؛^۲ ۴- رای وحدت رویه تنها در خصوص محل اختلاف دو شعبه مورد نظر دارای نفوذ و اعتبار است و باید به صورت مضیق تفسیر شود.^۳

۲-۳. لزوم مطالبه دین

به موجب دادنامه‌ای که شعبه ۱۱۷ دادگاه عمومی حقوقی تهران به شماره ۹۳۰۰۰۹۶۱ مورخ ۱۳۹۳/۹/۲۹ صادر کرده است، در پرونده‌ای که خواهان مطالبه خسارت تاخیر تادیه سه فقره چک را که در سال ۱۳۷۴ صادر شده، تقاضا کرده است، دادگاه بدوی مطالبه خسارت تاخیر تادیه را منوط و فرع بر مطالبه آن دانسته است و به دلیل آن که خواهان در سال ۱۳۹۰ اقدام به طرح دعوا در خصوص مطالبه وجوه چک‌ها نموده است، تنها از تاریخ طرح دعوا تا زمان استیفای آن، خواهان را محق شناخته است.^۴ خواهان از رای صادر شده در رابطه با عدم محاسبه خسارت تاخیر تادیه چک از زمان سررسید تجدید نظرخواهی کرده است. شعبه اول دادگاه تجدید

۱. «هیچ قاعده‌ای در نظام حقوقی از شمول کنترل قاعده تالی از سوی قواعد عالی خارج نمی‌باشد...»

۲. «... لذا باید گزاره پیش‌رو یعنی تعلق خسارت تاخیر تادیه از زمان صدور چک (تز) و نفی این گزاره یعنی عدم تعلق خسارت تاخیر تادیه در صورت نبود شرایط اعمال ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی (آنتی‌تز) به یک جمع مشخص از این دو گزاره رسید و آن، تعلق خسارت تاخیر تادیه از مان صدور چک می‌باشد، ولی به شرط این که همانند یک شخص متعارف در مطالبه به موقع آن رفتار شود (سنتز) ...»

۳. «فلسفه این رای (رای وحدت رویه شماره ۸۱۲) ارائه تفسیری روشن در یک موضوع جزئی و در حدود موضوع آرا متهافت است؛ لذا هیچگاه شان و منزلتی که برای قانون متصور است را نمی‌توان برای آرا وحدت رویه تصور کرد ...»

۴. «... نظر به این که مستفاد از ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، محکومیت خواننده به پرداخت خسارت تاخیر تادیه فرع بر مطالبه دین می‌باشد و با التفات به این که حسب استعمال معموله از اجرای احکام مدنی شورای حل اختلاف مربوطه، خواهان دادخواست مطالبه وجه چک را در تاریخ ۱۳۹۰/۱۰/۸ بیش از شانزده سال پس از انقضای تاریخ سررسید تقدیم کرده و محکوم به نیز در تاریخ ۱۳۹۲/۱۰/۸ به طور کامل استیفا گردیده است، لذا دادگاه دعوی خواهان را در فاصله زمانی میان تقدیم دادخواست به شورا و استیفای محکوم به وارد تشخیص ... حکم بر محکومیت خواننده به پرداخت خسارت تاخیر تادیه از تاریخ تقدیم دادخواست تا ۱۳۹۲/۱۰/۸ ... در حق خواهان صادر می‌نماید.»

نظر استان تهران به موجب دادنامه شماره ۱۰۱۵۶۹۰۲۲۰۱۰۹۹۷۰۹۳ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۲۰ با این استدلال که «به موجب ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مطالبه دین از ناحیه دائن یکی از شروط جهت محاسبه خسارت تاخیر تادیه است و تجدید نظرخواه دلیلی که موید مطالبه وجود چک‌ها باشد ارائه» نکرده، دادنامه بدوی را عیناً تایید کرده است.

۳-۳. تاثیر انتقال چک پس از اخذ گواهی عدم پرداخت

به موجب دادنامه شماره ۱۴۰۱۱۲۹۰۰۰۲۳۱۸۲۳۸ مورخ ۱۴۰۱/۵/۱۳ صادر شده از سوی شعبه ۶۳ شورای حل اختلاف کرج، در فرضی که دارنده سند تجاری پس از واخواست (گواهی عدم پرداخت) آن را به شخص دیگر (خواهان) منتقل می‌کند و مقررات مرتبط در قانون تجارت را در این باره رعایت نمی‌نماید، خسارت تاخیر تادیه از تاریخ تقدیم دادخواست و نه سررسید چک محاسبه خواهد شد. اهم استدلال‌های این دادنامه بدین شرح است: «اولاً، انتقال سند تجاری بعد از واخواست می‌بایست براساس مواد ۲۷۰ و ۲۷۱ صورت گیرد که بر اساس آن، ثالث می‌تواند پس از برگشت از طرف صادرکننده، وجه سند را کارسازی کند، اما دخالت شخص ثالث و پرداخت وجه باید در اعتراض‌نامه (برگشت چک) قید شود؛ ثانیاً، رعایت شرایط شکلی در اسناد تجاری دارای موضوعیت بوده (نه طریقی) و چنانچه مطابق آن عمل نشود، سند تجاری وصف تجاری خود را از دست خواهد داد...». این دادنامه به موجب رای شماره ۱۴۰۱۰۱۳۹۰۰۰۶۴۲۹۸۴۲ مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۳۰ شعبه ۲۶ دادگاه عمومی حقوقی کرج عیناً تایید شده است. در پرونده دیگری در شعبه اول شورای حل اختلاف بخش محمدیه قزوین به شماره دادنامه ۱۴۰۱۲۲۹۲۰۰۰۷۱۶۶۱۲ مورخ ۱۴۰۱/۴/۲۷ با استدلال مشابه، همین دیدگاه پذیرفته شده است.^۱

۱. «... با مذاقه در دادخواست تقدیمی، جمیع اوراق، محتویات و مندرجات پرونده، گواهی عدم پرداخت چک موصوف به دارندگی محمد ... و رسید دست‌نویس علی‌حده که به موجب آن تمامی حقوق دارنده موصوف به خواهان مهدی ... واگذار شده است که حکایت از انتقال سند بعد از صدور گواهی عدم پرداخت به خواهان دارد، نظر به این که پس از واخواست سند تجاری که در مانحن فیه گواهی عدم پرداخت در حکم آن است، انتقال حقوق دارنده به شخص ثالث برابر مقررات خاصی که در مواد ۲۷۰ و ۲۷۱ قانون تجارت مصوب سال ۱۳۱۱ پیش‌بینی شده است، می‌بایست به عمل آید تا وصف سند تجاری و امکان استفاده از مزایای آن باقی بماند؛ از این روی با انتقال چک پس از گواهی عدم پرداخت، بدون رعایت مقررات مربوط، بر منتقل‌الیه دارنده سند تجاری اطلاق نمی‌شود و لذا طلب و انتقال مزبور مشمول عموماًت قانون مدنی قرار گرفته و از یک سو مستنبط از

۴-۳. شمول مرور زمان اسناد تجاری

در دادنامه دیگر به شماره ۱۴۰۰۱۳۹۰۰۰۴۹۳۶۵۴۹ مورخ ۱۴۰۰/۹/۲۴ شعبه ۲۵ دادگاه عمومی حقوقی کرج به خواسته مطالبه خسارت تاخیر تادیه دو فقره چک از تاریخ سررسید لغایت تاریخ پرداخت، دادرس پس از احراز این که صدور چک بابت معاملات تجارتي بوده و خواهان پس از سپری شدن مهلت پنج ساله مقرر در ماده ۳۱۸ قانون تجارت طرح دعوا کرده است، نسبت به خواسته از تاریخ سررسید حکم بر بطلان دعوا صادر نموده است. اهم استدلال‌های مندرج در این دادنامه بدین شرح است: «اولاً، خواهان تولیدکننده و واردکننده دو چرخه می‌باشد که در امر فروش دو چرخه فعالیت دارد و خوانده نیز در زمان مبادله چک‌های موضوع دعوا در امر خرید و فروش دو چرخه بوده و حتی نمایندگی از طرف شرکت خواهان برای فروش انحصاری محصولات شرکت مذکور را داشته است و لذا از نظر این دادگاه، مطابق ماده ۴ قانون تجارت چک‌ها برای معاملات تجارتي صادر و به خواهان داده شده است؛ ثانیاً، مطابق ماده ۳۱۸ قانون تجارت دعاوی راجع به برات، فته طلب و چک که از طرف تجار یا برای امور تجارتي صادر شده است، پس از انتفای پنج سال از تاریخ صدور اعتراض‌نامه (برگشت) در محاکم مسموع نخواهد بود؛ مگر این که در ظرف این مدت رسماً اقرار به دین واقع شده باشد؛ ثالثاً، در مطالبه کلیه دیون مطابق ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی دائن از تاریخ مطالبه حق دریافت خسارت تاخیر تادیه دارد؛ مگر در خصوص چک که مطابق تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۶/۰۳/۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام و استفساریه تبصره مذکور خسارت تاخیر تادیه از تاریخ سند تجاری قابل مطالبه است؛ رابعاً رعایت مقررات شکلی وضع شده از سوی قانون‌گذار نسبت

بند ۳ ماده ۲۹۲ قانون مدنی، ماده ۶۸۵ همان قانون و ماده ۳۸ قانون منسوخ اعسار مصوب ۱۳۱۳ در انتقال ارادی دین و طلب، همیشه رضایت طلبکار و منتقل‌الیه لازم است، ولی رضایت بدهکار اصولاً شرط نیست؛ بنابراین متعهدله می‌تواند بدون رضایت متعهد، طلب خود را به دیگری واگذار کند که در مانحن‌فیه محقق است. از سوی دیگر، خسارت تاخیر تادیه به جهت طلب مدنی تلقی شدن اصل خواسته و انتقال وجه سند از سوی دارنده به خواهان، منصرف از تبصره الحاقی مورخ ۱۳۷۶/۳/۱۰ به ماده ۲ قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ و قانون استفساریه تبصره الحاقی به ماده ۲ اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام، رای وحدت رویه ۸۱۲ مورخ ۱۴۰۱/۴/۱ هیات عمومی دیوان عالی کشور، از تاریخ تقدیم دادخواست محاسبه خواهد شد ...».

به اسناد تجاری موضوعیت داشته و به موجب تبصره ماده ۳۱۹ قانون تجارت الزامی است...^۱ از این دادنامه تجدید نظرخواهی شده که در نهایت شعبه ۱۵ دادگاه تجدید نظر استان البرز به موجب دادنامه ۱۹۳۷۶۰۵/۱۳۹۰۰۰۱۳۹۰۰۰ مورخ ۱۴۰۱/۴/۱۶ ضمن تغییر حکم به قرار رد دعوا، اظهار کرده است که نظریه مشورتی یادشده مطابق قانون نیست.^۲

از سوی دیگر شعبه ۵ دادگاه عمومی حقوقی شیراز در دادنامه شماره ۶۷۸۶۶۲/۱۱۲۳۹۰۰۰۰ مورخ ۱۴۰۱/۱/۳۱ در پرونده‌ای که یک موسسه اعتباری که بر اساس بند ۷ ماده ۲ قانون تجارت تاجر محسوب می‌شود، اقدام به مطالبه وجه چک و خسارت تأخیر تادیه آن از تاریخ سررسید (۱۳۹۴/۶/۲۹) کرده است، به‌رغم این‌که مهلت پنج ساله مقرر در ماده ۳۱۸ قانون تجارت سپری شده است، خوانده را از تاریخ سررسید چک محکوم کرده است.

بنابراین چنین به نظر می‌رسد که در رویه قضایی ایران پیش و حتی پس از صدور رای وحدت رویه شماره ۸۱۲، در خصوص چگونگی صدور حکم بر خسارت تأخیر تادیه در حالات گوناگون وحدت نظر وجود نداشته و ندارد.

۴. حالات خروج از اطلاق رای وحدت رویه شماره ۸۱۲

در ادامه این مقاله به بررسی مواردی که از اطلاق رای وحدت رویه خارج هستند اشاره می‌گردد. اگرچه این فروض حصری نبوده و ممکن است بر اساس سایر

۱. در شعبه ۱۸ شورای حل اختلاف تبریز نیز دادنامه مشابهی به شماره ۱۴۰۱۳۰۳۹۰۰۰۳۰۳۰۸۶۹ مورخ ۱۴۰۱/۵/۱۱ صادر شده است «... در خصوص خسارت تأخیر تادیه از تاریخ سررسید چک به مورخه ۱۳۹۱/۶/۳۰ لغایت تاریخ تقدیم دادخواست به مورخ ۱۴۰۱/۴/۲۲، با توجه به این‌که خواهان مواعد مقرر در ماده ۳۱۸ قانون تجارت را رعایت ننموده است، لذا این مورد طبق نظریات مشورتی متعدد اداره حقوقی قوه قضاییه مورد از شمول رأی وحدت رویه شماره ۸۱۲ مورخ ۱۴۰۰/۴/۱۱ خارج می‌باشد و در این مورد خسارت تأخیر تادیه وفق ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی محاسبه می‌شود و با توجه به این‌که خواهان وفق این ماده در مهلت مقرر قانونی و عرفی اقدامی معمول نداشته است و به وظایف مقرر در قانون تجارت عمل ننموده است و خسارت تأخیر تادیه نیز از تاریخ مطالبه محاسبه می‌شود نه از تاریخ استحقاق طلبکار به دریافت وجه؛ لذا شورا به استناد به استناد مواد ۳۱۵ و ۳۱۸ قانون تجارت و ماده ۱۲۵۷ قانون مدنی و ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی حکم بر بی حقی خواهان در این مورد صادر و اعلام می‌دارد...»

۲. لازم به ذکر است مطابق نظریه مشورتی شماره ۱۴۰۰/۷/۱۰۶۶ مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۱۱ اداره حقوقی قوه قضاییه، طرح دعوی جهت مطالبه خسارت تأخیر تادیه از تاریخ سررسید به لحاظ زایل شدن وصف تجاری اسناد مورد استناد مطابق قانون نمی‌باشد.

قواعد و مقررات حالات دیگری نیز قابل تصور باشد که از اطلاق رای وحدت رویه ۸۱۲ دیوان عالی خارج باشد.

۴-۱. دریافت نکردن گواهی عدم پرداخت

در بسیاری از موارد دارنده سند تجاری از جمله چک اقدام به واخواست یا اخذ گواهی عدم پرداخت نمی‌کند و پس از سپری شدن مدتی اغلب طولانی، اقدام به طرح دعوا در مراجع قضایی جهت وصول مبلغ چک به همراه خسارت تاخیر تادیه آن از تاریخ سررسید می‌نماید. در این خصوص سه دیدگاه می‌توان ارائه کرد که هر یک در دکتربین و رویه قضایی طرفدارانی دارد. دیدگاه نخست باور دارد که اخذ گواهی عدم پرداخت خارج از مهلت‌های مقرر در قانون تجارت تاثیری بر حق طرح دعوی دارنده به زیان صادرکننده و ضامن وی و مطالبه خسارت تاخیر تادیه از تاریخ سررسید ندارد. به بیانی دیگر، با توجه به اطلاق قانون‌گذار مبنی بر این‌که مبدا محاسبه خسارت تادیه چک از تاریخ سررسید آن است، حتی اگر دارنده به بانک مراجعه نکرده و گواهی عدم پرداخت اخذ نکرده باشد، بازهم مبدا محاسبه تاریخ سررسید خواهد بود. برخی دیگر بر این باورند که چنانچه دارنده چک به منظور دریافت گواهی عدم پرداخت به بانک مراجعه نکند، چک دیگر سند تجاری محسوب نشده و به سند عادی تبدیل می‌شود (حسنی، ۱۳۹۳: ۱۰۳؛ شاکریان، ۱۴۰۰: ۴۴۱)؛ بنابراین خسارت تاخیر تادیه نیز از تاریخ مطالبه باید محاسبه گردید. دیدگاه سوم آن است که صادرکننده چک باید ثابت کند که در تاریخ سررسید به میزان کافی در حساب خود وجه نقد داشته است. در این صورت مبنای محاسبه خسارت تاخیر تادیه چک، نه تاریخ سررسید، بلکه مطابق عموماًت از تاریخ مطالبه (تقدیم دادخواست) است؛ بدین شرح که چون دارنده سند به موقع اقدام به برداشت وجه از حساب صادرکننده نکرده است، به زیان خویش اقدام کرده و براساس قاعده اقدام حقی در دریافت خسارت تاخیر تادیه از سررسید چک ندارد.^۱ به بیان دیگر، در این حالت اساساً تاخیری در

۱. از جمله در دادنامه‌های شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۵۰۰۳۵۳ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۹ شعبه ۴۹ دادگاه تجدید نظر استان تهران و دادنامه شماره ۱۴۰۱۲۸۳۹۰۰۰۴۴۹۱۰۶ مورخ ۱۴۰۱/۲/۱۸ شعبه ۵ دادگاه عمومی حقوقی ملایر که در این مقاله اشاره شد. همچنین اداره حقوقی قوه قضاییه نیز در نظریه شماره ۹۰۲۳/۴۵۴۵/۱ مورخ ۱۳۹۸/۶/۵ اعلام داشته است: «... بدیهی است در فرضی که وجه چک در حساب مربوط موجود بوده و لکن دارنده چک در زمان دیگر (برای مثال یکسال بعد) مبادرت به ارائه چک به بانک نموده است که در آن زمان وجه مذکور از حساب خارج شده باشد، تا جایی که

تادیه صورت نگرفته تا خسارتی به دارنده چک وارد شود (تدین، ۱۴۰۱: ۱۹۷).
به نظر می‌رسد که دیدگاه دوم با اصول و قواعد نظام حقوقی ما سازگارتر و به انصاف و عدالت نزدیک‌تر است. با این حال، اگر دارنده در مهلت مقرر اقدام به اخذ گواهی عدم پرداخت ننموده، اما صادرکننده نیز در آن تاریخ وجه نقد در حساب نداشته است، دیدگاه سوم شایسته تایید است.

۴-۲. طرح دعوا خارج از مهلت مقرر در ماده ۳۱۸ قانون تجارت

قانون تجارت از جمله در ماده ۳۱۸^۱ مهلت‌ها و مواعیدی را تحت عنوان مرور زمان برای مطالبه، اعتراض و اقامه دعوا تعیین کرده است. مطابق دیدگاه غالب دکترین (عبدی‌پور، ۱۴۰۰: ۴۰؛ اسکینی، ۱۳۸۹: ۱۷۲؛ مقدم، ۱۳۹۸: ۳۹؛ حسن‌زاده و سلطانیان، ۱۳۹۳: ۱۴۲) و رویه قضایی^۲ برخلاف مرور زمان‌های مندرج در قانون مدنی یا قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی که به تدریج نسخ شدند، مرور زمان‌های مندرج در قانون تجارت همچنان معتبر و پابرجا است؛^۳ بدین ترتیب در صورتی که دارنده چک پس از پنج سال از تاریخ اخذ گواهی عدم پرداخت اقدام به طرح دعوا در مراجع قضایی کند، به دلیل شمول مرور زمان، چک موصوف امتیازات اسناد تجاری را از دست داده و شخص تنها در قالب دعوای مدنی

عدم پرداخت وجه چک منتسب به صاحب حساب نبوده است، با توجه به قاعده اقدام، دارنده چک استحقاق مطالبه خسارت تاخیر تادیه در این مدت نخواهد داشت و موضوع منصرف از تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون صدور چک است».

۱. «دعوی راجعه به برات و فته‌طلب و چک که از طرف تجار یا برای امور تجارتی صادر شده پس از انقضای پنج سال از تاریخ صدور اعتراض‌نامه و یا آخرین تعقیب قضایی در محاکم مسموع نخواهد بود مگر این که در ظرف این مدت رسماً اقرار به دین شده باشد که در این صورت مبدا مرور زمان از تاریخ اقرار محسوب است».

۲. از جمله دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۱۵۰۰۴۶۶ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۲ شعبه ۱۵ دادگاه تجدید نظر استان تهران است که در تایید دادنامه بدوی شعبه ۱۲۳ دادگاه عمومی حقوقی صادر شده است. در دادنامه مرجع نخستین آمده است: «... با توجه به این که مستند دعوی در چارچوب روابط تجاری (حسب اظهارات خواهان) فی‌مابین اصحاب دعوی رد و بدل گردید و تاریخ صدور چک‌ها و گواهی عدم پرداخت آن‌ها مربوط به سال ۱۳۷۸ می‌باشد، موضوع مشمول ماده ۳۱۸ قانون تجارت و مرور زمان پنج ساله بوده، در نتیجه دادگاه دعوی خواهان را قابل استماع ندانسته و قرار رد آن را صادر می‌نماید...».

۳. اکثریت فقهای شورای نگهبان در تاریخ ۱۳۶۱/۷/۱۷ اعلام داشته‌اند که اجرای سایر قوانین مادام که مخالفت آن با موازین اسلامی اعلام نگردیده موقتا بلامانع است (مهرپور، ۱۳۸۸: ۲۰۸). در خصوص مرور زمان اسناد تجاری نیز تاکنون شورای نگهبان نظری که دال بر مخالفت باشد اعلام نکرده است.

می‌تواند وجه آن را از مسئول پرداخت مطالبه نماید.^۱ در این صورت مبداء محاسبه خسارت تاخیر تادیه نیز مشمول قاعده عمومی مندرج در ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و از زمان مطالبه یا همان طرح دعواست (اسکینی، ۱۳۸۹: ۲۶۶). به بیان دیگر، مفاد قانون استفساریه تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۶/۳/۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام^۲ و رای وحدت رویه شماره ۸۱۲ دیوان عالی کشور در این مورد اعمال نخواهد شد.^۳ نکته مهمی که نباید از نظر دور داشت این است که اعمال مفاد ماده ۳۱۸ قانون تجارت منوط به رعایت دو قید «از طرف تجار یا برای امور تجاری» است؛ بدین معنا که در صورتی می‌توان مرور زمان پنج ساله را اعمال کرد که برای دادرسی محرز شود چک از بابت امور تجاری یا از سوی شخص تاجر صادر شده باشد؛^۴

۱. در ماده ۵۲ کنوانسیون ژنو ۱۹۳۱ نیز تصریح شده است که اقامه دعوا خارج از مهلت شش از تاریخ ارائه سند موجب شمول مرور زمان و عدم امکان مطالبه وجه چک از کلیه مسئولان حتی صادرکننده خواهد شد. همین موضوع در ماده ۸۴ کنوانسیون آنسیتال تکرار شده است با این تفاوت که در این کنوانسیون، مهلت مرور زمان چهار سال اعلام شده است.

۲. «منظور از عبارت «کلیه خسارات و هزینه‌های لازم از قبیل هزینه‌های دادرسی» مذکور در تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۶/۳/۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام، خسارات تاخیر تادیه بر مبنای نرخ تورم از تاریخ چک تا زمان وصول آن که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام شده و هزینه دادرسی و حق الوکاله بر اساس تعرفه‌های قانونی است».

۳. اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه شماره ۱۵۲۲/۱۴۰۰/۷ مورخ ۱۴۰۱/۲/۱۰ اعلام داشته است: «... ثانیاً، با توجه به این که در فرض سؤال دارنده چک پس از انقضای مهلت‌های مقرر در مواد ۳۱۸ و ۳۱۹ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ اقدام به طرح دعوا کرده است، لذا دعوی مذکور از شمول قانون تجارت خارج بوده و دارنده صرفاً می‌تواند به طرفیت شخصی که رابطه حقوقی با وی داشته است، بر اساس مقررات قانون مدنی اقدام کند؛ بنابراین از شمول رای وحدت رویه شماره ۸۱۲ مورخ ۱۴۰۰/۴/۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور خارج است و خسارت تأخیر تادیه برابر مقررات عمومی و از جمله ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ محاسبه می‌شود...».

۴. در این خصوص می‌توان به دادنامه شماره ۱۱۱۵۶۶۹/۱۴۰۱/۱۳۹۰۰۰ مورخ ۱۴۰۱/۳/۱۶ از شعبه ۲۴ شورای حل اختلاف کرج اشاره کرد. در این دادنامه خواهان پس از دوازده سال از تاریخ اخذ گواهی عدم پرداخت اقدام به مطالبه مبلغ چک‌ها و خسارت تأخیر از تاریخ سررسید را مطرح داشته است و قاضی چنین حکم کرده است: «... در رابطه با مطالبه خسارت تأخیر تادیه چک‌های یاد شده از تاریخ سررسید تا زمان اجرای حکم، با توجه به این که حسب اعلام خواهان شغل خوانده بنگاه‌دار ماشین بود و خوانده چک‌های یاد شده را جهت خرید خودرو در زمانی که در نمایشگاه مشغول به کار بوده است، صادر نموده و این امر از سوی خوانده بدون ایراد مانده است و خواهان نیز خواننده را به صورت ضمنی تاجر اعلام کرده؛ بنابراین چک‌های یاد شده مشمول مفاد ماده ۳۱۸ قانون تجارت

بنابراین در صورتی که شخص غیر تاجر چک را صادر کرده یا علت صدور چک عمل تجارتي نبوده، بر اساس نص مقررہ یادشده نمی توان مرور زمان را اعمال کرد (مقدم، ۱۳۹۸: ۳۸)؛ موضوعی که به نظر می رسد در بسیاری از آرا صادر شده مورد بررسی در این مقاله، مغفول مانده است.

۳-۴. انتقال چک به شخص ثالث پس از دریافت گواهی عدم پرداخت

در بسیاری از موارد به ویژه در عرف بازار، چنانچه دارنده چک پس از مراجعه به بانک از عدم موجودی صادرکننده مطلع شود، پس از اخذ گواهی عدم پرداخت، چک را در مقابل اخذ مبلغی که به طور معمول کمتر از مبلغ مندرج در چک است، به شخص دیگر منتقل می کند. این انتقال از سوی دارنده در ظهر چک یا بر روی برگه گواهی عدم پرداخت فید می شود. حال پرسش این است که اگر دارنده جدید اقدام به طرح دعوا برای مطالبه مبلغ چک و خسارت تاخیر تادیه از تاریخ سررسید نماید، آیا می توان صادرکننده را به پرداخت خسارت تاخیر تادیه از تاریخ سررسید محکوم کرد. به بیان دیگر، آیا مفاد رای وحدت رویه ۸۱۲ دیوان عالی کشور در این خصوص مجراست؟

صاحب نظران در حقوق تجارت به طور مشخص این سوال را پاسخ نداده اند (درویشی هودا، ۱۳۹۴: ۵۲). با این حال از دید نگارندگان به نظر می رسد که پاسخ منفی باشد؛ چرا که تشریفات مربوط به اعتراض در اغلب نظام های حقوقی از جمله فرانسه و انگلستان، شرط صحت اعتراض تلقی می شود (اسکینی، ۱۳۹۱: ۱۶۰۱) و در صورتی که تشریفات اعتراض رعایت نشود، سند تجاری امتیازات خود را از دست خواهد داد. ماده ۲۴ کنوانسیون یکنواخت ژنو درباره چک مصوب ۱۹۳۱ نیز انتقال چک پس از واخواست را انتقال مدنی اعلام کرده است.^۱ در حقوق ایران نیز در مواد ۲۷۰ و ۲۷۱ قانون تجارت که براساس ماده ۳۱۴ این قانون^۲ شامل چک نیز می شود،

شده و خسارت تاخیر تادیه می بایست از سوی واحد اجرای احکام مدنی از تاریخ تقدیم دادخواست محاسبه شود و بنابراین نسبت به خواسته صدور حکم بر محکومیت خواننده به پرداخت خسارت تاخیر تادیه از تاریخ سررسید چک ها حکم بر بی حقی خواهان صادر می شود ...».

1. «... An endorsement after protest or after an equivalent declaration or after the expiration of the limit of time for presentment operates only as an ordinary assignment. ...».

۲. «... لیکن مقررات این قانون از ضمانت صادرکننده و ظهرنویس ها و اعتراض و اقامه دعوی ضمان و مفقود شدن راجع به بروات شامل چک نیز خواهد بود».

به منظور دارا شدن امتیازات یا عدم تغییر ماهیت سند به سود شخص ثالث شرایط خاصی مقرر شده است؛ از جمله این که «دخالت شخص ثالث و پرداخت وجه باید در اعتراض نامه یا در ذیل آن قید شود»؛ بنابراین زمانی که تنها انتقال در ظهر چک یا بر روی گواهی عدم پرداخت قید می شود، تشریفات مقرر در قانون تجارت رعایت نشده و ماهیت سند تجاری به دین مدنی تبدیل شده که بی شک خسارت تاخیر تادیه نیز نسبت به آن از تاریخ مطالبه خواهد بود. به عبارت دیگر، این موضوع که انتقال گیرنده به عنوان شخص ثالث دخالت می نماید باید قید شود و در غیر این صورت، شرایط شکلی مقرر در قانون تجارت رعایت نشده و این امر موجب تبدیل سند تجاری به سند مدنی می شود. همچنین باتوجه به ماده ۱۱ قانون صدور چک «دارنده چک شخصی است که برای اولین بار چک را به بانک ارائه کرده است» و اگر شخص چک را به شخص دیگری منتقل کند، حق شکایت کیفری از او سلب می شود، اما انتقال گیرنده همچنان امکان طرح دعوی حقوقی علیه صادرکننده را دارد و با توجه به این که دیگر دارنده چک به تعبیر قانون گذار نیست، تنها می تواند به عنوان انتقال گیرنده در انتقال طلب اقامه دعوا کند. واضح است که در این دعوا مقررات عام حاکم بوده و او می تواند از تاریخ مطالبه مستحق دریافت خسارت تاخیر تادیه شود. دیدگاه هیأت عالی نشست های قضایی در خصوص پرسشی که در شهر پردیس تهران در تاریخ ۱۳۹۸/۳/۲۶ مطرح شده، همین بوده است.^۱ پیش تر نیز در رویه قضایی آرا مرتبطی از جمله دادنامه شماره ۱۷۷۷ مورخ ۱۳۸۴/۱۲/۱۷ از سوی شعبه ۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران^۲ در این خصوص صادر شده اما همچنان آرا متفاوتی نیز وجود دارد.

۱. «... لیکن باتوجه به ماده ۳۱۵ قانون تجارت و رای وحدت رویه شماره ۵۳۶ - ۱۳۶۹/۷/۱۰، دارنده چک شخصی است که ظرف مهلت قانونی گواهی نامه عدم پرداخت دریافت نموده است؛ بنابراین دارنده ای که با ظهن نویسی چک را دریافت کرده، دارای حقوق دارنده قبلی نمی باشد و مشمول مقررات قانونی است؛ مگر این که براساس مواد ۲۷۰ و ۲۷۱ قانون تجارت عمل نموده ...».

۲. «... پس از آن که توسط حامل به بانک ارائه و منجر به صدور گواهی عدم پرداخت شد و حتی علیه صادرکننده توسط دارنده شکایت کیفری مطرح شد، انتقال آن با امضای ظهر آن، انتقال موضوع قانون تجارت شناخته نمی شود و از مزایای اسناد تجاری موضوع آن قانون برخوردار نیست. تنها می توان این عمل را متضمن انتقال طلب دانست ...» (به نقل از: درویشی هویدا، ۱۳۹۴: ۵۵).

برآمد

۱- رای وحدت رویه شماره ۸۱۲ هیات عمومی دیوان عالی کشور که به علت اختلاف دو شعبه دادگاه تجدید نظر استان تهران در خصوص مبدا محاسبه خسارت تاخیر تادیه چک و با هدف ایجاد وحدت رویه صادر شده است، نتوانسته موجب وحدت رویه شود و همچنان در فروض مختلف میان دادگاه‌ها اختلاف نظر وجود دارد. پیشینه پژوهش‌های انجام شده در دکترین حقوقی ایران بیانگر اختلاف نظر در موارد متعدد است. وضعیت در اسناد بین‌المللی نیز مشابه دکترین و رویه قضایی بوده و نمی‌توان حکم یکسانی را در این خصوص مشاهده کرد.

۲- به نظر می‌رسد خسارت تاخیر تادیه چک در سه حالت می‌بایست از تاریخ مطالبه (و نه سررسید) محاسبه شود: نخست حالتی است که دارنده چک به‌رغم وجود محل در بانک محال‌علی، اقدام به مراجعه نکرده و حسب استعلام به عمل آمده، وجه چک در حساب موجود بوده است؛ فرض دیگر حالتی است که مفاد مرور زمان مقرر در ماده ۳۱۸ قانون تجارت شامل چک موضوع دعوا باشد؛ بدین توضیح که چک بابت رابطه تجاری یا از سوی تاجر صادر شده و از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت یا آخرین تعقیب قضایی پنج سال سپری شده باشد؛ در حالت سوم نیز دارنده چک مقررات مربوط به تشریفات انتقال سند تجاری را رعایت نکرده و برای مثال پس از اخذ گواهی عدم پرداخت، آن را به شخص دیگری واگذار کرده است.

فهرست منابع

- * اسکینی، ربیعا (۱۴۰۱)، حقوق تجارت تطبیقی؛ چک، سفته و برات در حقوق ایران، فرانسه و انگلیس، چاپ چهارم، تهران: مجد.
- * اسکینی، ربیعا (۱۳۸۹)، حقوق تجارت (برات، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل و چک)، چاپ چهاردهم، تهران: سمت.
- * اسلامی پناه، علی (۱۳۹۷)، «رویه قضایی به منزله منبع حقوق»، مجله تحقیقات حقوقی، دوره ۲۱، شماره ۸۴.
- * اصغری آقمشهدی، فخرالدین و محمدزاده، علی (۱۳۹۱)، «خسارت تأخیر تادیه چک‌های مطالبه شده توسط اجرائیه ثبت»، رویه قضایی (نقد رأی)، سال اول، زمستان ۱۳۹۱، شماره ۱.
- * تدین، علی اصغر (۱۴۰۱)، دعاوی اسناد تجاری، چاپ سوم، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
- * جعفری تبار، حسن (۱۴۰۰). دیو در شیشه؛ فلسفه رویه قضایی، چاپ دوم، تهران: نگاه معاصر.
- * حسن زاده، حیدر و سلطانیان، محمدرضا (۱۳۹۳)، «مواعد مطالبه، واخواست و اقامه دعوا و آثار عدم رعایت آن‌ها در برات، سفته و چک با نگاهی تطبیقی به کنوانسیون‌های ژنو»، مجله تحقیقات حقوقی بین‌المللی، دوره ۸، شماره ۲۷.
- * حسنی، حسن (۱۳۹۳)، حقوق تجارت، جلد سوم، چاپ دوم، تهران: میزان.
- * درویشی هویدا، یوسف (۱۳۹۴)، «عدالتی متفاوت بر مبنای قانونی نارسا، تفسیرها و آرای متناقض قضایی در خصوص اسناد تجاری»، دانش حقوق مدنی، سال چهارم پاییز و زمستان، شماره ۲.
- * زرکلام، ستار (۱۳۹۱)، «کلیات روش تفسیر آراء قضایی»، فصل‌نامه رای؛ مطالعات آراء قضایی، دوره ۱، زمستان ۱۳۹۱ (۱) - شماره پیاپی ۱.
- * شاکریان، بهنوش (۱۴۰۰)، «دادرسی در دعاوی حقوقی مربوط به چک»، تحقیقات حقوق قضایی، دوره دوم، شماره ۴.
- * صقری، محمد (۱۳۸۷)، حقوق بازرگانی اسناد، جلد دوم، چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.

- * کاویانی، کورش (۱۴۰۰)، حقوق اسناد تجاری، چاپ یازدهم، تهران: میزان.
- * عبدی‌پور، ابراهیم (۱۴۰۰). حقوق تجارت (اسناد تجاری)، جلد سوم، چاپ سوم، تهران: مجد.
- * فتاحی، مهدی (۱۳۹۵)، «مبدأ محاسبه خسارت تأخیر تأدیه چک»، قضاوت، دوره ۱۶، شماره ۸۵ - شماره پیاپی ۸۵.
- * محسنی، سعید (۱۳۸۹)، «جایگاه خسارت تأخیر تأدیه در اسناد تجاری»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۷۴، شماره ۶۹ - شماره پیاپی ۶۹.
- * مقدم، عیسی (۱۳۹۸)، «پرسش‌هایی در مورد مرور زمان ماده ۳۱۸ قانون تجارت در مورد چک و سفته»، فصلنامه رای؛ مطالعات آرا قضایی، دوره ۸، تابستان ۱۳۹۸ (۲۷) - شماره پیاپی ۲۷.
- * مهرپور، حسین (۱۳۸۸)، مجموعه نظریات شورای نگهبان: نظریات تفسیری و شرعی دوره اول از تیرماه ۱۳۵۹ تا تیرماه ۱۳۶۵، تهران: دادگستر.
- * میری، حمید (۱۴۰۱)، «اعتبار انتقال سند تجاری پس از سررسید یا واخواست»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۶، شماره ۱۱۷.